

ما را به چشم سر مبین!

راه صحیح صحبت کردن با نابینایان

آخرین روزهای سال بود. دانش آموزان، به خصوص خوابگاهی‌ها، از رسیدن تعطیلات و دیدن خانواده‌ها خوشحال بودند. البته در این میان غرولندهایی هم شنیده می‌شد که: خانم معلم حوصله رفت‌وآمد و مهمانی را نداریم. پرسیدم: «چرا؟ دید و بازدید سبب طول عمر است و اصلاً حال و هوای آدم را عوض میکند.» یکی از شاکیان گفت: «خانم، چه حال و هوایی؟! من که خیلی احساس تنهایی می‌کنم. یا همه سرشان توی گوشی است یا مشغول گفت‌وگو با هم هستند.»

گفتم: «خب شما هم گوشی دارید، شما هم می‌توانید در گفت‌وگوها شرکت کنید.» زهرا، شاکی دیگر، گفت: «اگر سرمان در گوشی باشد که انگار دیگر وجود نداریم! همین طوری هم در جمع‌ها اصلاً ما را نمی‌بینند.»

دنیا، در تأیید زهرا، اضافه کرد: «گاهی افراد با ایما و اشاره صحبت می‌کنند. من خیلی ناراحت می‌شوم.» سر درد دل باز شد و دیدم این مشکل همه است. گفتم: «بچه‌ها، من هم مثل شما درگیر این مشکلات و مسائل بوده و هستم. زمان بچگی، من هم ناراحت می‌شدم. بعدها فهمیدم، همه افراد حتی خود ما از کودکی یاد گرفته‌ایم، از زبان بدن برای مکالمه استفاده کنیم؛ حرکات بدنی مثل بالا و پایین آوردن شانه‌ها و سر، برای تأیید یا مخالفت با چیزی. با چشم و آبرو و با ایما و اشاره حرف زدن دیگران همیشه به این منظور نیست که ما از موضوع بحث آگاه نشویم. شیوا گفت: «ولی ما ناراحت می‌شویم.»

گفتم: «قبول دارم خانواده‌هایی که فرزند نابینا دارند، از ابتدا باید این موضوع را رعایت کنند و به اطرافیان هم گوشزد کنند.»

اما می‌دانی دخترم، کنار گذاشتن عادت‌هایی که ذاتی انسان است یا با آن بزرگ‌شده، کار آسانی نیست. البته گاهی یک اشاره سر و دست کار صد سخنرانی را می‌کند.

می‌توانیم در برخی جمع‌های خودمان دوستانه این موضوع را تذکر دهیم. کنار رفتن از جمع‌ها راه‌حل مسئله نیست. چرا که در آینده نیز چنین اتفاقاتی در دانشگاه و یا محل کار پیش خواهد آمد. آن وقت هم نمی‌خواهی در جلسات مهم به عنوان یک کارشناس و متخصص در رشته‌ات شرکت کنی؟

جایی که فکر می‌کنی با تو به زبان اشاره صحبت می‌کنند، با روی و لحن خوش بگو: من متوجه اشاره‌های شما نمی‌شوم، لطفاً با کلام با من صحبت کنید.

به این وسیله فرهنگ‌سازی خواهی کرد و آن‌ها هم به دوستانشان یاد خواهند داد که با یک فرد نابینا نباید با ایما و اشاره صحبت کرد.

